



جایگاه استیون اسپیلبرگ در هالیوود به مناسبت اکران تازه‌ترین فیلم او، «غول بزرگ مهربان»

کیم مسترز، ترجمه: **ساسان کافر**؛ بیش از ۲۰ سال است که استیون اسپیلبرگ همراه یک‌بار با ران مایر، معاون NBC یونیورسال در دفتر مرکزی استودیو ناهار می‌خورد. این رسم پس از آن برقرار شد که اسپیلبرگ در سال ۱۹۹۴ همراه با جفری کاتزبرگ و دیوید گفن، استودیو دریم‌ورکز SKG را به راه انداخت و روابط رسمی خود را با استودیو یونیورسال قطع کرد. حتی پس از آنکه دریم‌ورکز در سال ۲۰۰۵ به پارامونت فروخته شد و در سال ۲۰۰۸ که دریم‌ورکز قراردادی بست که پخش فیلم‌های خود را از طریق دیزنی انجام دهد، رسم ناهارخوردن مشترک برجا ماند و اکنون که اسپیلبرگ و شرکایش- دست‌کم همکارانش در شرکت آمبلین- بالا‌بره بر سر یک میز برگشته‌اند و در ماه دسامبر ۲۰۱۵ (آذر ۹۳) قرارداد پخش فیلم را با یونیورسال بسته‌اند، خانه‌ای که اسپیلبرگ هرگز آن را ترک نکرد، این روال به قوت باقی است.

اسپیلبرگ که امسال در ماه دسامبر (آذر) ۷۰ساله می‌شود، درباره علت تداوم این دوستی با همکار ۷۱ساله‌اش که با او بیش از ۵۰ سال در جنگل صنعت سرگرمی تاب آورده است، می‌گوید: «رونی و من هر دو از یک بیماری به نام نوستالژی لاعلاج رنج می‌بریم.» هالیوود در این مدت قطعا تغییر کرده است. این نکته‌ای است که خود اسپیلبرگ و جورج لوکاس در ماه اگوست ۲۰۱۳ هنگام بحث در دانشگاه کالیفرنای جنوبی فصل به این پرداختند و از آن گلایه کردند. اسپیلبرگ در آنجا اشاره کرد که فیلم «لینکلن» باید تقریباً یک فیلم (تولیزوئی) شبکه HBO می‌بود. لوکاس ابراز شگفتی کرد که «استیون اسپیلبرگ و جورج لوکاس نمی‌توانند فیلم‌های خود را به یک سالن سینما بزنند» و اسپیلبرگ در مورد «انتظار فاجعه‌ای که در آن سه با چهار یا شاید حتی نیم دوجین فیلم با بودجه عظیم زمین بخورد» هشدار داد و گفت که «این مسئله، پارادایم را تغییر خواهد داد». امروز، اسپیلبرگ همچنان معتقد است که ژانر ابرقهرمانی به اندازه وسترن که تقریباً ۲۰ سال بر سر پا بود، دوام نخواهد آورد.

دریم‌ورکز نیز به‌نوبه خود توفان‌های مالی را پشت‌سر گذاشته است، اما اسپیلبرگ همچنان به مسیر خود ادامه می‌دهد، هنوز هم غول صنعت است و با کارهای بزرگ و فوق‌العاده دست‌و‌پنجه نرم می‌کند. گفته می‌شود که در مقام مدیر تولید فیلم «دنیای ژوراسیک» او بیشتر از استودیو یونیورسال پول به جیب زده است. او هنوز هم دودرصد از کل درآمد بلیت‌فروشی بارک‌های تفریحات یونیورسال و نیز بخشی از حق امتیاز پارک‌ها را دریافت می‌کند. فوربس ثروت او را در حدود ۳۰۶ میلیارد دلار برآورد کرده است. اسپیلبرگ با آنکه شرکت آمبلین را برای همکاری بیشتر با یونیورسال ایجاد کرده است، تعهد داده که «بازیکن شماره‌یک آماده» را برای برادران وارنر بسازد. پیش از آن با همکارانش در آمبلین درام تاریخی با بودجه متوسط «ربودن ادگار دو مورتار» را خواهد ساخت و پس از آن پنجمین فیلم ایندیانا جونز را برای دیزنی کارگردانی خواهد کرد. اسپیلبرگ می‌گوید در مورد این فیلم که قرار است در جولای ۲۰۱۹ (تیر ۱۳۹۸) اکران شود، «فوق‌العاده هیجان‌زده» است. او می‌گوید: «من فکر می‌کنم این یکی درست بر قلب طرفداران می‌نشیند.» از جزئیات طرح چیزی را بروز نمی‌دهد، جز اینکه «یک چیز را به شما می‌گویم، اینکه من هریسون [فورد] را در پایان آن نمی‌گشُم». (شرکت آمبلین از نظر مالی در این پروژه دخیل نیست) و سپس، احتمال بازسازی «داستان وست‌سایده» وجود دارد – که یک تولید مشترک فاکس و MGM خواهد بود و تونی کوشنر درحال‌حاضر روی فیلم‌نامه‌اش کار می‌کند. اسپیلبرگ «چندین دهه» است که رؤیای روی پرده‌بردن اقتباس خود از این داستان را در سر دارد و از ۱۵ سال پیش حقوق بازسازی‌اش را خریداری کرده است.

اسپیلبرگ موقع گفت‌وگو اندیشمند و بی‌تکلف است، هرچند او در این مورد که به چه پرششی نمی‌خواهد پاسخ بدهد، خطوط قرمز محکمی ترسیم می‌کند. «نه» به هرگونه صحبت درباره سیاست – گرچه اجازه می‌دهد بدانیم که از هیلاری کلینتون حمایت می‌کند). اما حتی زمانی که او با کلماتی پاسخ می‌دهد که احساس می‌شود می‌گوید: «اما اصرار به بازگشت به کار یک روز مثل

کاملا صمیمانه است، یک نوع میدان نیرو در اطراف او وجود دارد که نامرئی است و به‌راحتی نمی‌توان در آن نفوذ کرد. تازه‌ترین فیلم او، The BFG (یا «غول بزرگ مهربان») در روز اول جولای اکران می‌شود و اسپیلبرگ در همین زمان برای ساختن «بازیکن شماره‌یک آماده» خود را آماده می‌کند؛ فیلم دلهره‌آوری محصول برادران وارنر که قرار است در ماه مارس ۲۰۱۸ (فروردین ۹۷) روی پرده برود. او انتظار دارد که قبل از آن «ربودن ادگار دو مورتار» را تکمیل کند که قرار است یونیورسال در نوامبر ۲۰۱۷ (آبان ۹۶) آن را اکران کند. او چندین فیلم سینمایی و برنامه تلویزیونی، پارک‌های تفریحات، پروژه‌های بشردوستانه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های واقعی مجازی را نیز در برنامه دارد. اسپیلبرگ همچنان یک نابغه همه‌فن‌حریف است.

اسپیلبرگ با The BFG روی یکی از اقلام فهرست کارهایی را که پیش از مرگ باید انجام داد، خط کشید و آن هم ساختن فیلمی بود که پیش از تینراژ آن نشان والت دیزنی بیاید. می‌گوید: «من تا الان برای هر استودیویی در هالیوود کارگردانی کرده بودم، جز والت دیزنی. وقتی که من بچه بودم، دیزنی واقعا یگانه الهام‌بخش و درعین‌حال منبع بسیاری از کابوس‌های من بوده، بله، منظور او بابمی و دامبو نیز هست. می‌گوید: «جدایی مادر و کودک… منظور این کشته‌شدن مادر بابمی – این یکی از بیشترین…» (آیا ممکن است کسی منظور او را متوجه نشود؟)

افسوس که دیزنی شریک خوبی برای داستان‌های



بزرگ‌سالانه‌تری نبود که در زمان کار او با دریم‌ورکز علاقه‌اش را جلب می‌کرد. اسپیلبرگ می‌گوید: «ما بالا‌بره توانستیم برای فاصله بین تاپستان و کریسمس بدیل سرگرم‌کننده‌ای بیافریم که گروه‌های مختلف جمعیتی را راضی کند». باین‌حال، او فکر می‌کند دیزنی «بسیار مقتدر» بود که پخش فیلم‌هایی مانند «خدمتکار» و «لینکلن» (که هر دو سودآور بودند) را برعهده گرفت. همکاران اسپیلبرگ گفته‌اند که او زمانی که «لینکلن» اسکار بهترین فیلم را به «ارگو» بن افلک باخت، متحیر و رنجیده‌خاطر شد، اما این احساس را زود از خود دور کرد. آنچه یک‌بار او را ویران کرده بود، «فهرست شیندلر» بود. این فیلم دو اسکار سال ۱۹۹۴ را برای او به ارمغان آورد، اما باعث شد که او متوجه شود که میلی برای بازگشت به کار ندارد. می‌گوید: «نمی‌توانستم. قادر به کارکردن نبودم». وقتی از او می‌پرسم که آیا افسرده شده بود، اول می‌گوید بله و بعد تصحیح می‌کند. «من هرگز افسرده نشده بودم. غمگین و منزوی شده بودم. در عین اینکه فیلم من موفق بود و خوب از آن استقبال شده بود، فکر می‌کنم گفتن آن داستان آسیب روانی به من زد.» برای مدتی او بیشتر خود را با این کار مشغول می‌کرد که افرادی را با دوربین بفرستد که با بازماندگان کشتار در اردوگاه‌های جنگ جهانی دوم مصاحبه کنند و به پروژه‌های فیلم فکر نمی‌کرد. «هسته‌آهسته داشتم به این نتیجه می‌رسیدم که «فهرست شیندلر» آخرین فیلمی است که کارگردانی می‌دهند، با تصویب اوست.»

اسپیلبرگ علاوه بر دریم‌ورکز بر واحد تلویزیونی آمبلین خود نظارت دارد که سریال‌هایی مانند «آمریکایی‌ها» را برای شبکه FX، سری «زیرکبند» را برای CBS و همچنین «گوتیک آمریکایی» را که به زودی روی آنتن می‌رود، برای همین شبکه می‌سازد. داریل فرانک، رئیس دیگر تلویزیون آمبلین، در سال ۲۰۱۴ به هالیوودریپورتر گفت که اسپیلبرگ «بر هر طرح و هر فیلم‌نامه نظارت می‌کند، هر برش را می‌بیند و هر کاری که طراح صحنه، فیلم‌بردار و هنرمند جلوه‌های بصری انجام می‌دهند، با تصویب اوست.»

سینمای جهان



عکس: هالیوود ریپورتر

یکی از همکاران قدیمی او در دریم‌ورکز می‌گوید: «استیون دو شغل دارد: هم مدیر اجرایی است و هم رئیس. در هر دو کار هم درست عمل می‌کند و تمام تلاش خود را می‌کند.» یکی دیگر از کارکنان آنجا معتقد است که اسپیلبرگ حق دارد کارها را همان‌طور که خود می‌خواهد، انجام بدهد. «او یک مدیر اجرایی نیست، او استادی خلاق است. در لحظات حساس سر می‌رسد، همیشه در دسترس است. همیشه مایل است کمک کند و همیشه با ایده می‌آید.»

از نظر اسپیلبرگ، هرگونه پرسش در مورد اینکه او در دوران کار در دریم‌ورکز به آن شرکت توجه کافی داشت یا نداشت، گمراه‌کننده است؛ «من دور از دریم‌ورکز کار نکردم، از زمانی که ما این شرکت را در سال ۱۹۹۴ شکل دادیم، تنها کاری که من به‌دور از دریم‌ورکز انجام دادم «ایندیانا جونز و قلمرو مجموعه بلورین» بود». (در آن لحظه، «ماجراهای ترتن» به ذهنش نرسید و واضح بود که پروژه‌های دیگر خارج از آن شرکت را اصلا در چارچوب این بحث نمی‌دانست).

برایان رابرتز، مدیرعامل شرکت رسانه‌ای Comcast که نقش مهمی در توافق پخش یونیورسال برای آثار تولیدی آمبلین داشته است، به‌خوبی می‌داند که اسپیلبرگ برای استودیوهای دیگر فیلم می‌سازد. او درعین‌حال این را نیز می‌داند که شرکتش منافع بزرگی از این حرکات چندجانبه اسپیلبرگ کسب می‌کند، مخصوصا اگر اسپیلبرگ پخش بیشتری از دارایی‌های قدیم خود در آمبلین اینترتینمنت را وارد یونیورسال کند. (این استودیو نمی‌تواند در مورد فیلم‌های قبلی مانند «آرواره‌ها، «بازگشت به آینده» یا Goonies بدون رضایت فیلم‌ساز تحرکی از خود نشان بدهد). دونا لانگلی، رئیس یونیورسال، می‌گوید با فشارهایی که استودیوی او برای ساختن جریان پیوسته‌ای از فیلم‌های پرجح عامه‌پسند و فرانشیزهای سینمایی تحمل می‌کند، «آن نوع فیلم‌هایی که آمبلین علاقه به ساختنشان دارد، خلا مجموعه ما را پر می‌کند. آنها با فیلم‌هایی نمی‌آیند که خودمان ۱۲ تا از آنها داشته باشیم».

رابرتز می‌گوید کار با اسپیلبرگ لذت‌بخش‌تر از آن است که صرفا به فیلم‌هایش مربوط باشد: «او در همه زندگی‌اش چنین بوده است. کار او با روابط دیگرش تضادی نداشته است. زندگی او شگفت‌انگیز بوده است. قطور ممکن است کسی نخواهد با او سروکار داشته باشد!»

برای اسپیلبرگ نیز حرکات حرفه‌ای آمیخته با احساسات است. زمانی که برای راه‌اندازی آمبلین پارتنرز به دفتر خود رفت و قرارداد پخش را با استودیو بست، در آیفون خود این را ثبت کرد تا یادش بماند. می‌گوید: «۲۰ سال بعد از این، می‌توانم به یاد داشته باشم که بازگشت به سواره‌رو استودیو یونیورسال چه حس خوبی دارد. نوستالژی لاعلاج من همین است!»

در اواخر ماه آوریل خبر رسید که یونیورسال بخش انیمیشن دریم‌ورکز را خریداری می‌کند و از این جابه‌جایی نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار به اسپیلبرگ می‌رسد. به‌این‌ترتیب دو قطعه بزرگ از شرکت اصلی به‌هم می‌رسند و البته وقتی قرارداد بسته شود، جفری کاتزبرگ، مدیرعامل دریم‌ورکز، بر جای خود باقی نخواهد ماند. برخی این حوادث را به‌مثابه مرگ رؤیای دریم‌ورکز تلقی می‌کنند، اما اسپیلبرگ می‌گوید چنین نظری ندارد و مگر کسی جرئت دارد غیر از این بگوید؟ او تا حد زیادی در داخل میدان نیرو زندگی می‌کند که درون آن کمتر کسی اراده آن را دارد که روایت او را به چالش بکشد. او یک داستان‌گو است و داستانی که می‌گوید، این است که زندگی دریم‌ورکز دقیقا همین است که باید باشد. اسپیلبرگ می‌گوید: «می‌دانید، هیجان‌انگیز بود که برای اولین‌بار در ۶۰ سال گذشته یک استودیو به راه انداختیم. این هیجان‌انگیز بود. من فکر می‌کنم کاری که جفری برای سهام‌داران خود کرد که دریم‌ورکز انیمیشن را به Comcast فروخت، یک پیروزی برای جفری و یک پیروزی عظیم برای سهام‌داران است. رؤیایی که ما در سال ۱۹۹۴ داشتیم، در سال ۲۰۱۶ به حقیقت پیوست.»

کوتاه‌شده از: هالیوودریپورتر

روزنه

نگاهی به «غول بزرگ مهربان» عشق غول آسا

پیتر بردشا

بی‌فایده به نظر می‌رسد که بگوییم خود غول بزرگ مهربان، ستاره فیلم The BFG است. اما انتخاب بازیگر در هیچ فیلمی این‌قدر حیاتی نبوده است. بازی نوسا متمایز، غریب و مسحورکننده مارک رالینس، فیلم را کاملا به آنچه باید باشد، بدل کرده است. تازه‌ترین فیلم استیون اسپیلبرگ، اقتباسی از داستان کودکان روالد دال با فیلم‌نامه ملیسا متیسن فقید است؛ آخرین فیلم‌نامه نویسنده «ای‌تی» که شباهت آشکاری به آن نیز دارد.

تغییرشکل رالینس و بزرگ‌کردن او در یک مقیاس غول‌آسا، سطح فناوری موشن-کیچر را بالا برده است. تماشای ویژگی بازی این بازیگر، زیربوم میمیک صورت او در ابعاد مجسمه جزیره ایستر، شگفت‌آور است. فیلم بدون رالینس قطعا تا این اندازه جذاب و شیرین نبود، اما شاید این اثر کمی بیش از حد به اثر کلاسیک دال وفادار و با نگاهی توریستی به عصر طلایی بریتانیا به نظر برسد.

داستان ظاهرا در سال ۱۹۸۲ که کتاب منتشر شد، می‌گذرد. پس از نمای آغاز از پل وست‌مینستر، به یتیم‌خانه‌ای زیبا در مرکز لندن می‌رسیم و مکان‌های آشنا و مردمی که با لهجه بریتانیایی به‌جای somewhere می‌گویند someplace. بعد، ملکه در حال خواندن تایمز با «رونی و یانسی» (روالند ریگان و همسرش) در کاخ سفید تلفنی مکالمه می‌کند و به شخصی به نام بوریس (یاستین یا جانسن؟) اشاره می‌کند. خب البته فیلمی مثل «غول بزرگ مهربان» با این اشاره‌ها‌بامزه می‌شود و مهم نیست اگر خیلی منطقی نباشد.



روبی بارنهل، بازیگر کودک تازه‌کار و درخشان در نقش سوفی، دختر کوچک عمیقاً تنهایی است در یتیم‌خانه که یک شب غول بزرگی را در خیابان می‌بیند. این غول (رالینس) به پنجره باز آتش می‌رسد و او را می‌گیرد و به خانه‌اش در کشور غول‌ها می‌برد و به زبان درهم‌وبرهم و عجیبی صحبت می‌کند که حرفه‌ای‌هایی مثل متیسن و اسپیلبرگ از یک کم‌دین فراموش‌شده بریتانیایی به نام استلی آتوین وام گرفته‌اند.

سوفی و غول، دو موجود تنها با مشترکات فراوان، با هم دوست می‌شوند. غول از توانایی خود برای گرفتن رُویاها و فرستادن به سر به‌خواب‌رفتگان می‌گوید. اما این غول ملایم و گیاه‌خور با همتایان گوشت‌خوار و خونخوار و قلدر خود قیصر دارد. این فیلم یک غول بزرگ دوست‌داشتنی از کارگردانی است

که می‌داند چگونه در این مقیاس فیلم بسازد. او جسورانه اسطوره‌ای اسپیلبرگ می‌سازد که با‌دور «غول خودخواه» اسکار وایلد، «چک و لوبیای سحرآمیز» و «سویت فندق‌شکن» است. اگر اسپیلبرگ می‌توانست کاملا به هسته تاریک ناهم‌رسانی نوشته دال نزدیک شود - نوعی خیانت خودشلانه که کودکان دوست دارند و باعث می‌شود پدر و مادرها ناراحت شوند- من تعجب می‌کردم.

اگر بازیگری در حد و اندازه مارک رالینس نمی‌بود، احتمالا به چشم و زبوانداختن و غرغرکردنی شرک‌مانند رضایت می‌داد. اما رالینس شخصیت را مانند یک انسان واقعی، مانند یک کودک‌آزار دیده که در انزوا رشد کرده و به ندای خود پناه برده اما همچنان مستعد عشق، ساخته است. این حاصل شوق اسپیلبرگ و آواز قوی فوق‌العاده ملیسا متیسن است.

منبع: گاردین

این هفته روی پرده

کلاف سردرگم

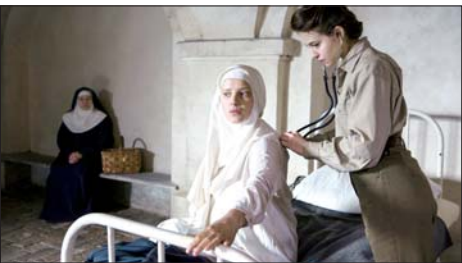
سه اقتباس ادبی از داستان‌ها و نویسندگان مشهور که یکی از آنها را فیلم‌نامه‌نویس ایرانی آثار هالیوودی نوشته، در میان آثار سینمایی هستند که جمعه ۱۱ تیر به اکران عمومی می‌رسند. دومین فیلم «پاکسازی» با عنوان فرعی «سאל انتخابات»، «میکروب و بنزین» ساخته میشل گوندری و «بارک کشتار»، از دیگر فیلم‌هایی هستند که در این هفته به روی پرده می‌روند.



غول بزرگ مهربان
دخترچپه یتیمی به نام سوفی با یک غول روبه‌رو می‌شود که ظاهر تهدیدآمیزی دارد، اما معلوم می‌شود خوش‌قلب و مهربان است و در جمع غول‌ها یک مطرود محسوب می‌شود، زیرا برخلاف آنهای دیگر، حاضر نیست کودکان را بخورد. تازه‌ترین فیلم استیون اسپیلبرگ با فیلم‌نامه ملیسا متیسن که سال گذشته از دنیا رفت، براساس رمان مشهور روالد دال، نویسنده فقید کودکان، ساخته شده است و مارک رالینس، روبی بارنهل، ربکا هال و بیل هیدر در آن بازی می‌کنند. زمان نمایش این فیلم فانتزی خانوادگی ۱۱۷ دقیقه است.



افسانه تارزان
در نسخه جدیدی که از داستان مشهور تارزان ادگار رابنس باروز ساخته شده، این مرد جنگلی که با زندگی در لندن سازگار شده است، به خانه سابق خود در جنگل فراخوانده می‌شود تا درباره فعالیت‌هایی که در یک اردوگاه معدنی انجام می‌شود، تحقیق کند. دیوید بیتس «افسانه تارزان» را کارگردانی کرده است و الکساندر اسکار سگارد، مارکوت رابی، ساموئل ال جکسن، کریستوف والتز، جیمون هانسن و جیم بردبنت، از بازیگران این اکشن پرماجرا و پرستاره هستند که با بودجه ۱۸۰ میلیون دلاری ساخته شده است.



بی‌گناهان
در سال ۱۹۴۵ و با پایان جنگ جهانی دوم، یک پزشک جوان فرانسوی صلیب‌سرخ که برای کمک به بازماندگان اردوگاه‌های آلمان و بازگرداندن افراد فرانسوی به لهستان فرستاده شده است، با گروهی از اربیه‌ها برخورد می‌کند که با مشکلی غیرمعمول روبه‌رو هستند. این درام محصول مشترک لهستان و فرانسه را پاسکال بونیتزه نوشته و آن فوتنن کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۱۱۵ دقیقه است. لو ولاک، اکاتا یوزک و اکاتا کولشا از بازیگران این فیلم هستند.



غارتگران
«غارتگران» محصول کانادا فیلم اکشنی به کارگردانی استیون سی. میلر است که بروس ویلیس، کریستوفر ملونی، دیو باتیستا، آدرین گرینر و لیدی هال در آن بازی می‌کنند. در این فیلم سرعت مسلحانه خونینی اتفاق می‌افتد که همه شواهد از دست‌داشتن بانکدار و مشتریان قدرتمند او در آن حکایت دارد. اما با ورود مأموران افبی‌آی معلوم می‌شود ماجرا پیچیده‌تر است، سرقت‌های مسلحانه بیشتری رخ می‌دهد و توطئه بزرگ‌تری برملا می‌شود. زمان نمایش این فیلم ۱۰۷ دقیقه است.



خائن از نوع ما
حسین امینی فیلم‌نامه‌نویس ایرانی ساکن بریتانیا (متولد ۱۳۴۵ در تهران) که سال گذشته «دو چهره ژانویه» را با اقتباس از داستان پاتیشیاهای اسمیت کارگردانی کرد، فیلم‌نامه این فیلم دلهره‌آور را از جان لوکاره، نویسنده مشهور رمان‌های جاسوسی، اقتباس کرده و سوزان وایت آن را کارگردانی کرده است. زوج جوانی به طور تصادفی وارد کلاف سردرگمی می‌شوند که یک طرف آن مافیای روس است و طرف دیگر سرویس مخفی بریتانیا و دراین‌میان به هیچ‌کس نمی‌توانند اعتماد کنند. ایوان مک گرگور، استلان اسکارسگارد، دیمین لوپیس و نیومی هریس، از بازیگران این محصول مشترک بریتانیا و فرانسه هستند.